

تأملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی

نرگس محمدی بدر* هاشم مهدی زاده**

چکیده

در مقاله حاضر، نوع ادبی مناظره، از ابتدای شکل‌گیری تا روزگار نیما، بررسی و علل تکامل و توسعه آن تحلیل و تبیین شده است. مناظره نوعی بیان هنرمندانه است که به طور غیرمستقیم، خواننده را به خود جلب می‌کند و قوه سنجش و تفکر او را به چالش می‌کشد. در این نوع بیان، از مقابله و مقایسه دو عنصر متفاوت و گاه متضاد، و کشمکش‌های میان آنها برای رسیدن به مقصود استفاده می‌شود. این نوع ادبی در ابتدا به صورت گفت‌وگوهای ساده و تمثیل مرسوم بوده، سپس تبدیل به یک فرم خاص و ژانر ادبی شده است. از قرن ششم، به منظور اثبات نظریه‌های فلسفی، نتایج اخلاقی یا هنرنمایی در عرصه شعر به اوج می‌رسد. سپس در هر دوره‌ای بنا بر اقتضای زمان، موضوع و محتوا متفاوت می‌شود. عنصری و اسدی برای مدح حکام، نظامی گنجوی برای بیان مقاصد رمانتیک، سنایی و مولوی برای تبیین مفاهیم عرفانی و اخلاقی و در دوره معاصر، پروین اعتصامی برای بیان مسائل انتقادی از مناظره سود برده‌اند. در واقع، این نیاز جامعه و ادب است که در هر دوره حرکت تکاملی و افت‌وخیزهای مناظره را روشن می‌کند. قدیمی‌ترین مناظره موجود «درخت آسوریک» در زبان پهلوی اشکانی است که در آن درخت و بز طی مباحثه به برشمردن فواید خود می‌پردازند و این مبارزه به پیروزی بز بر درخت می‌انجامد. در ادب نیمایی نیز پیروی از الگوی کهن مناظره مشاهده می‌شود، با این تفاوت که دیدگاه‌های ادبا در قالب و محتوا با شعرای پیشین در انتخاب مضمون بسیار فرق دارد.

کلیدواژه‌ها: مناظره، ادب فارسی، درخت آسوریک، زبان حال، شعر

۱. مقدمه

مناظره^۱ در ادبیات همه ملت‌های جهان مورد توجه بوده است. در ادبیات غرب قدمت آن به دو اثر مشهور آریستوفانس^۲، شاعر یونانی (۳۸۵-۴۵۰ ق.م) «غوک‌ها» و «ابرها» می‌رسد که اولی مناظره‌ای است بین دو شاعر و دومی مناظره میان دو مفهوم حق و

badr@pnu.ac.ir

hashem791@yahoo.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۷

Copyright © 2015-2016, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

^۱. debate

^۲. Aristophanes

ناحق است که در برابر هم قرار می‌گیرند. ویرژیل^۱ (۷۰-۱۹۹ ق.م) شاعر رومی، نیز نمونه‌هایی از مناظره از خود به جا گذاشته است. با وجود این، اوج این نوع شعر را در اروپای قرن دوازده و سیزدهم میلادی می‌دانند.

در ادبیات عرب به مناظره کمتر برمی‌خوریم، اما نمونه‌هایی از مناظره منثور در مقامات حریری تألیف قاسم‌بن علی حریری وجود دارد و همچنین مناظره‌ای به نام «السیف والقلم» از ابن‌الوردی. ایرانیان نیز از گذشته‌های دور به مناظره توجه داشته‌اند. با ورود اسلام به ایران این نوع ادبی گسترش چشمگیری داشته است. هرچند با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی هر دوره نحوه نگرش به آن متفاوت بوده است.

مناظره از نظر ماهیت، از فروع ادب حماسی به شمار می‌رود (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۳). به نظر می‌رسد، نمی‌توان از نظر معنی آن را به کلی از ادب تعلیمی و از نظر صورت از ادب دراماتیک و نمایشی متمایز کرد. به‌ویژه آنکه استفاده از این نوع ادبی برای تعلیم اهداف اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی مرسوم بوده که شاعران و نویسندگان فراوانی از این ژانر برای بیان اهداف یادشده سود جستند.

۲. پیشینه پژوهش

در این باره، تحقیقاتی در سال‌های اخیر صورت گرفته است؛ از جمله، تحقیقی با عنوان «جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی» توسط غلام‌علی فلاح قهرودی، که در این اثر دو مناظره «مانی و موبد» و «موبد و مزدک» شاهنامه بررسی و تحلیل شده است و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که مناظرات شاهنامه همان گفت‌وگوهای بسته و معدودی هستند که عموماً میان اهل علم و متکلمان، در مورد مسائل اعتقادی و غیراعتقادی، جهت اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و روشن کردن حق و صواب درمی‌گرفته است و با مناظرات اسدی، که در تغزل و تشبیب قصاید مدحی به کار رفته، کاملاً متفاوت است (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۵۵). تحقیق دیگر با عنوان «مناظره عقل، علم و حلم و دولت» از مؤلفی ناشناخته، به نصراله پورجوادی، تعلق دارد. در این اثر می‌خوانیم: «مناظرات زبان حالی در ادبیات پارسی در زمره انواع ادبی، غالباً مربوط به دربارها بوده است» (پورجوادی، ۱۳۸۴: ۲۳). البته تعدادی مقاله نیز درباره مناظره نگارش یافته و مناظره‌ها را به صورت تطبیقی بررسی کرده است. اما مستندات نشان داد که تاکنون تحقیقی درباره سیر مناظره‌ها در ادب فارسی انجام نگرفته است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی به بررسی سیر تکاملی «مناظره» در زبان فارسی، در قرون مختلف، با ذکر نمونه‌هایی چند از متون می‌پردازد.

۴. سؤالات پژوهش

پرسش‌هایی که در این پژوهش بدان پاسخ داده می‌شود عبارت است از اینکه فلسفه پیدایش مناظره ریشه در چه امری دارد؟ آیا مناظره‌نویسی و نوع نگاه ادبا به آن قبل اسلام و بعد از آن یکسان بوده است؟ میزان توجه ادبا به مناظره در چه دوره‌ای بیشتر است؟

۵. تعریف مناظره

مناظره در لغت «مباحثه کردن و بحث کردن» درباره حقیقت و ماهیت چیزی، یا با هم سؤال و جواب کردن است (دهخدا، ذیل مناظره).

در فرهنگ اصطلاحات ادبی، در تعریف مناظره آمده است: شعر یا نثری که در آن، دو چیز یا دو کس، در مقابل هم قرار گیرند، و بر سر موضوعی با هم بحث و گفت‌وگو کنند، تا سرانجام یکی بر دیگری غالب آید (داد، ۱۳۷۸: ۴۵). در این نوع ادبی، هدف شاعر یا نویسنده، از این مقابل هم قرار دادن، اثبات نتیجه‌ای فلسفی، یا اخلاقی یا هنرنمایی شاعرانه است. شخصیت‌های اصلی یا انسان‌اند یا از

^۱. Virgil

زمره اشیا، جانوران و مفاهیم انتزاعی، که هر کدام مظهر عقیده یا طرز فکری می‌شوند (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۲۸۶).

در تعریفی دیگر از مناظره نوشته‌اند: ژرف‌ساخت مناظره، حماسه است؛ زیرا در آن، میان دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی درمی‌گیرد، که هر یک با استدلال، خود را بر دیگری ترجیح می‌نهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

اگر بپذیریم که ژرف‌ساخت مناظره، حماسه است، باید گفت، احتجاجاتی که جنگ‌جویان در معركة نبرد در مقابل حریف می‌شمرند، قابلیت روشنی است برای اهل فضل، تا از این طریق، موضوع مناظره را در نظم و نثر خویش همراه با توانمندی و هنرنمایی‌های شاعرانه قرار دهند. نظیر مناظره «خسرو و فرهاد» که از زیباترین بخش‌های منظومه خسرو شیرین نظامی است.

۶. شکل و قالب مناظره

اگرچه در شعر فارسی، مناظره، شکل و قالب خاصی ندارد، از سده پنجم هجری جز قصیده، قالب‌های غزل، قطعه، مثنوی و دوبیتی نیز برای سرایش مناظره رواج یافت. شاعر پرآوازه گنجه، نظامی، قالب مثنوی را جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است و از آن جا که سر آمد قالب شعری در سبک عراقی غزل است، عمده مناظرات این سبک نیز در هیئت غزل آمده است؛ چنانکه کمال‌الدین خجندی، حافظ، سعدی و خواجه کرمانی در این قالب طبع آزمایی کرده‌اند و شعرای معاصر، از جمله پروین اعتصامی، و دیگران به قالب‌های قطعه و مثنوی روی آورده‌اند.

۷. اساس و فلسفه شکل‌گیری مناظره

محمد غنیمی هلالی، به احتمالی، ریشه این نوع ادبی را به دوران افلاطون و ارسطو می‌رساند و می‌نویسد: شاید نظرهای افلاطون و ارسطو بین مسلمانان - و به احتمال قریب به یقین، وجود کتاب‌هایی با عنوان *المحاسن* که در آن روزگار به مجادلات خطابه‌ای می‌پرداخت - در رواج این قبیل مناظرات در قرون نخستین اسلام مؤثر بوده است و از آنجا که کتاب‌های *المحاسن* زیر نفوذ اصل پهلوی قرار گرفته است، هرگز خالی از ذکر المساوی نبوده است. احياناً در این کتاب‌ها مناظرات به شکل پرسش و پاسخ تنظیم شده است (شوشتری، ۱۳۸۹: ۱۶).

از سوی دیگر، این نوع ادبی می‌تواند ریشه در مفاخره داشته باشد. از آنجا که مفاخره‌سرایی در فرهنگ عرب و آنگاه در ادب عجم، یک امتیاز و برتری به حساب می‌آمد، به تدریج این فخرفروشی‌ها، گاه جاهلانه شکل و شمایل دوسویه به خود گرفته و در هیئت گفت‌وگوهای دوطرفه یا به صورت پرسش و پاسخ و قال و قلت و به زیباترین صورت «گفتم، گفت» در زبان فارسی آمده است.

۸. تاریخچه مناظره از آغاز تا امروز

تاریخچه این نوع ادبی را می‌توان به قبل و بعد از اسلام تقسیم کرد و علل تکامل و افت‌وخیزهای آن را در ادوار مختلف تبیین و بررسی نمود:

الف- مناظره قبل از اسلام: این شیوه، در فرهنگ و ادب ایران متداول بوده است. چنین می‌نماید که ایرانیان، این نوع ادبی را که دارای خصوصیت ادبیات شفاهی است، در ادوار قدیم از بین‌النهرین اقتباس کرده‌اند. نمونه‌ای از آن در متون سومری آکدی دیده می‌شود.

در میان این اقوام پیکارها و مناظرات دیگری، چون بیل و خیش، تابستان و زمستان، درخت و نی، میش و گندم و... وجود داشته است که جنبه نمایشی در باری داشته، به طوری که دو نفر در نقش این شخصیت‌های زبان حالی در صحنه نمایش ظاهر می‌شدند و به گفت‌وگو می‌پرداختند (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۳۲).

البته قدیمی‌ترین مناظره زبان حالی موجود در فرهنگ ایران، مناظره‌ای موسوم به «درخت آسوریک» در زبان پهلوی اشکانی

است، که در آن درخت و بز به مباحثه و مجادله بر می‌خیزند. تا ضمن برشمردن فواید خود طرف مقابل را تسلیم کنند. سرانجام این مبارزه به پیروزی بز بر درخت می‌انجامد (تفضلی، ۱۳۲۷: ۲۵۶).

منظومه درخت آسوریک کتابی است نوشته‌شده به زبان پارسی و خط پهلوی کتابی و از معدود متن‌های غیردینی است که از زبان پارسی (آمیخته به پارسی میانه) بر جای مانده است. «بیشتر عبارات آن جملاتی مجزاست که هریک دارای هفت تا نه سیلاب است» (گلبن، ۱۳۵۱: ۳۱) «اشعار آن دوازده هجایی است که در هجای پنجم و گاهی هفتم وقوف دارد و پاینده به قافیه هم نیست» (همان: ۱۲۸).

در این داستان، شاهد گفتمان درخت آسوری (درخت آسورستانی، درخت خرما) و بز هستیم که در فرجام، به برتری بز می‌انجامد. شاید بتوان بز را نماینده دین زرتشت و درخت آسوریک را نماینده دین چندگونه‌پرستی آسور دانست. درخور توجه است که در آیین دینی آسوریان درختی خشک به کار می‌رفته که آن را با زر و زیور ساختگی می‌آراستند. بی‌پروا و خشن بودن بز را هم در گفت‌وگو می‌توان دلیل بر برتری اجتماعی مزدپرستان دانست.

آسورستان یکی از استان‌های ایران بود که اکنون عراق مرکزی را تشکیل می‌دهد. کتاب کوچک درخت آسوریک به گونه شعر و در پیوسته (منظوم) بوده است، با مصراع‌های شش‌هجایی و دوازده‌هجایی، برخی از پژوهشگران آن را از آثار ادبی و در پیوسته روزگار اشکانی دانسته‌اند. بخش‌هایی از آن که باقی مانده، اوزان شعرگون خود را نگاه داشته است. پساوندها با «الف و نون» و برخی با «نون و دال» بوده است. در باره این منظومه مقالات و نوشته‌های اندکی در دست است و کتاب ارزشمندی از ماهیار نوابی به رشته تحریر در آمده است.

بنا به تحقیق مرحوم مجتبی مینوی، در اوایل عهد اشکانی، داستان بلند و مهیج «ویس و رامین» و «زردو و موبد - شهرو و ویرو» اتفاق افتاده، که در این داستان زیبا و عشقی، مناظره بلندی پس از ده‌نامه بی‌جواب او و نامه پشیمان شدن رامین و آمدنش به نزد ویس و خشم ویس، اتفاق افتاده است (مینوی، ۱۳۱۴: ۲۴).

در این مناظره زیبا پس از آنکه رامین از ویس می‌پُرد و با گل ازدواج می‌کند، نادم گشته و به نزد ویس بازمی‌گردد. ویس در شبی سرد و برفی برای انتقام از او، وی را راه نمی‌دهد. تا برف بسیار او را می‌آزارد با ویس به گفت‌وگو می‌پردازد. وقتی که خود را با مرگ درگیر می‌بیند، روی از او بر می‌گرداند و می‌رود. تا اینکه ویس دایه را به دنبالش می‌فرستد. مناظره به صورت پرسش و پاسخ‌های بلند و بسیار زیبا انجام می‌گیرد.

در عهد اشکانی این نوع مناظره‌ها معمول بوده و گاهی شاعران نیز به آن اشاراتی دارند؛ مانند اشاره کرم و اردشیر بابکان در ابتدای کارنامه اردشیر. این داستان را شش مرد دانا گردآوری کرده‌اند و اسعد گرگانی آن را از پهلوی به نظم زیبای فارسی ترجمه و در بحر هزج و وزن خسرو شیرین نظامی به شعر درآورده است.

مناظرات قبل از اسلام جز ویس و رامین که مفصل است، به صورت بدوی بوده و آنچه هست گفت‌وگوهای کوتاه و ساده‌ای هستند که بیشتر حالت نمایشی داشته و در دربارها برای مطایبه به کار می‌رفته است.

ب- مناظره بعد از اسلام: در دوره اسلامی بیشتر مناظرات در میان شاعران آذربایجان و عراق رواج داشته است. هرچند حکیم فردوسی برای پردازش داستان‌های بی‌همال خود که از گونه‌های مختلفی مانند دیالوگ، مونولوگ، نیایش، رجزخوانی، مرثیه‌خوانی و از جمله مناظره بهره جسته است (سرامی، ۱۳۶۸: ۶)، عنصری از این شیوه بیانی، به صورت تمثیل برای بیان و اثبات نظریه خویش استفاده کرده است. از گفت‌وگوهای موجود می‌توان به مناظره «زاغ و باز» وی اشاره کرد.

از زمان اسدی به بعد مناظره‌های زبان حالی متعددی در نظم و هم در نثر تصنیف گردیده است. در این نوع مناظره، هریک از دو طرف سعی می‌کند محاسن خود را به رخ دیگری بکشد. در انتهای مناظره چون دو طرف نمی‌توانند یکدیگر را مغلوب کنند، نزد داور می‌روند و داور هم حکم می‌کند که هر دو فوایدی دارند و بهتر است که با هم صلح کنند.

اغلب شاعران و نویسندگان درباری از این شیوه برای سرگرمی پادشاهان و امرا بهره گرفته‌اند. به همین دلیل، در بسیاری از این مناظره‌ها، داور همان امیر یا وزیری بوده که مناظره برای او نوشته شده است. از این نمونه می‌توان به «نرد و شطرنج» از حسام‌الدین برای حاکم شوشتر اشاره کرد.

۱) مناظره در قرن پنجم

شاعر برجسته مناظره‌گوی این قرن را اهل تحقیق، به اتفاق ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی (متوفی ۴۶۵ق) معرفی کرده‌اند. اسدی علاوه بر خلق گرشاسپ‌نامه، در قصاید خویش، سبک تازه‌ای را ایجاد کرده است. شبلی نعمانی این نوع آوری سبکی او را به خاطر مناظراتی می‌داند که از ایجادات خاص اوست، که در آنها، دو چیز را با هم به مناظره انداخته، و دلایل ترجیح هر کدام را ذکر می‌کند، تا آنکه به مدح شاه گریزی بزند (شبلی، ۱۳۳۵: ۱۴۱).

هرمان اته^۱: اسدی طوسی را بانی و مبتکر فن مناظره می‌داند و در این باره می‌نویسد: «عجب اینکه این نوع شعر در اشکال قدیمی خود با بعضی از اشعار و تصانیف محلی فرانسه و انگلیس هم مشابه است. چندان که شخص تصور می‌کند شاید در دوره جنگ‌های صلیبی تأثیر شرق در غرب وقوع یافته باشد (اته، ۱۳۳۷: ۴۰).

دوره بلوغ اسدی در شاعری، مصادف بود با انقلابات خراسان و غلبه سلاجقه بر آن دیار و برافتادن حکومت غزنویان از آن سامان. چون اسدی محیط مساعدی برای شاعری نمی‌یافت، ناگزیر خراسان را ترک نمود، و به غرب ایران، یعنی آذربایجان روی نهاد، و سبک تازه‌ای در شعر که همان «مناظره» است ایجاد نمود. بهار در این باره می‌نویسد: «مناظره از قدیم‌الایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده است. مجموع قصاید اسدی و مناظرات ایشان در آذربایجان ساخته شده است» (بهار، ۱۳۷۱: ۲۱۱).

اسدی مناظراتی چون: «آسمان وزمین»، «مغ و مسلمان»، «نیزه و کمان» و «شب و روز» را خلق کرده است. نمونه‌ای از ابیات مناظره آسمان و زمین:

گفت آنکه آسمان به زمین کز تو من به‌ام	کم فضل از تو بیش و فراوان به صد گوا
... کرسی و عرش و لوح و قلم جمله در مناست	هم خُلد عدن ایزد و هم سدره متها
... گفتش زمی که این صلف و عجب و کبر چند	خاموش باش و بس کن ازین بیهده هُذا...

(اسدی طوسی، به نقل از دهخدا: ذیل واژه اسدی طوسی).

از این قرن به بعد مناظره شکل و فرم واقعی خود را پیدا کرده و بنا به موضوع و محتوا و مقتضی زمان و ذهن شاعر متفاوت بوده و نوع نگرش ادبا به آن تغییر یافته است؛ مثلاً نظامی و اسعد گرگانی در قالب مثنوی عاشقانه آن را به کمال می‌رسانند.

۲) مناظره در قرن ششم

تعداد مناظره‌گویان در قرن ششم بسیار است، که از جمله آنها نظامی، شاعر شیرین‌گفتار بزمی‌سرای است، وی در مناظره نقاشان رومی و چینی در اسکندرنامه و به‌ویژه در گفت‌وگوی خسرو و فرهاد، که از زیباترین بخش‌های منظومه خسرو شیرین است، مناظره‌گویی را به اوج می‌رساند. قدرت نظامی در نقل داستان‌ها، مهارت او در وصف و دقتی که در کلام خود به کار گرفته است، باعث شده که منظومه‌های وی مورد توجه و تقلید شاعران بعد از او قرار گیرد. از این رو، سبک و مکتب خاصی در ادبیات به وجود آورده است. وی قالب مثنوی را جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است.

نظامی در مخزن‌الاسرار، مناظره را به معنای رایج آن به کار برده است؛ برای نمونه، مناظره «بلبل و باز» و «روبا و سگ». اما در خسرو شیرین، شکل و فرم با مفهوم رایج مناظره، در ادب فارسی اندکی متفاوت است. در مخزن‌الاسرار در مناظرات ادبی رایج، فن گفت‌وگوها حالت تمثیلی و خیالی دارند، به منظور تعلیم و تربیت خواننده بیان می‌شوند و نتیجه‌ای فلسفی و اخلاقی از

آن گرفته می‌شود. به طور کلی، نظامی با استفاده از این شیوه توانست با ایجاد مناظره میان دو رقیب عشقی، به ماجراهای عاشقانه و رمانتیک سده ششم روحی تازه ببخشد و مناظره را به اوج برساند.

معمولاً، زمانی که مناظره میان دو رقیب متفاوت، در یک موقعیت رودررو رخ می‌دهد و موقعیت گوینده و شنونده مرتباً میان آنان جابه‌جا می‌شود و گفت‌وگوهای آنان تحت تأثیر مخاطبان و شنوندگان متنوع قرار می‌گیرد، فرم واقعی خود را می‌یابد؛ چنان‌که نظامی آن را در خسرو و شیرین به زیبایی و رسایی به کار گرفته است:

نخستین بار گفتش: کز کجایی؟	بگفت: از دار ملک آشنایی
بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟	بگفت: انده خورد و جان فروشند
بگفتا: جان‌فروشی در ادب نیست	بگفت: از عشقبازان این عجب نیست
بگفت: از دل شدی عاشق بدین سان؟	بگفت: از دل تو می‌گویی من از جان
بگفتا: عشق شیرین بر تو چون است؟	بگفت: از جان شیرینم فزون است
بگفتا: هر شبش بینی چو مهتاب؟	بگفت: آری چو خواب آید کجا خواب؟
بگفتا: دل ز مهرش کی کنی پاک؟	بگفت: آنگه که باشم خفته در خاک
بگفتا: گر خرامی در سرایش؟	بگفت: اندازم این سر زیر پایش

(نظامی، ۱۳۶۳: ۲۳۳)

تا پس از پرسش‌ها و پاسخ‌های زیبای سنگ‌تراش، خسرو عاجز می‌گردد و به یاران می‌گوید:

به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی

(همان، ۲۳۵)

شعر عرفانی را، که سنایی ایجاد کرده بود، در قرن هفتم شاعرانی چون عطار نیشابوری و مولوی به اوج رساندند و ادبای این قرن از قالب مناظره برای بیان مفاهیم عرفانی بهره جستند.

۳) مناظره در قرن هفتم

در این قرن هم، مناظره‌گویان بزرگی مطرح می‌شوند؛ از جمله، امیرخسرو دهلوی، دهلوی در خسرو و شیرین به استقبال خمسه نظامی می‌رود و بین «شیرین و خسرو»، «خسرو و فرهاد» دو گفت‌وگوی جذاب ترتیب می‌دهد. همچنین، مولوی در مثنوی معنوی مناظراتی سروده است.

مناظره‌ای از مولانا:

آن یکی پرسید اشتر را که هی	از کجا می‌آیی ای فرخنده‌پی؟
گفت: از حمام کوی تو	گفت: خود پیداست از زانوی تو

(مولوی، ۱۳۶۳: ۱۵۷)

جند بیتی از غزلیات شمس:

گفتا، که کیست بر در؟ گفتم: کمین غلامت	گفتا، چه کار داری؟ گفتم: مها سلامت
گفتا، که چند رانی؟ گفتم: که تا بخوانی	گفتا، که چند جوشی؟ گفتم: که تا قیامت
گفتا، برای دعوی قاضی گواه خواهد	گفتم: گواه اشکم، زردی رخ علامت
گفتا، گواه چرخ است تردامن است چشمت	گفتم: به فر عدلت، عدلند و بی‌گرامت

(همان، ۷۷-۷۶)

سعدی شیرازی، نیز مناظره‌های زیبایی به صورت نظم و نثر دارد. در نمونه‌ای از بوستان باب سوم- در عشق و مستی و شور- مناظره «شمع و پروانه» می‌بینیم:

شب‌ی ی‌اد دارم که چشمم نخفت	شنیدم که پروانه با شمع گفت:
«که من عاشقم گر بسوزم رواست	تو را گریه و سوز باری چراست؟»
بگفت: «ای هوادار مسکین من	برفت انگبین یار شیرین من
چو شیرینی از من بدر می‌رود	چو فرهادم آتش به سر می‌رود»
همی گفت و هر لحظه سیلاب درد	فرو می‌دویدش به رخسار زرد
که ای مدعی عشق کار تو نیست	که نه صبر داری نه یارای ایست

(سعدی، ۱۳۶۳: ۲۳۸)

و در جای دیگر در دیوان اشعار در قطعه‌ای می‌سراید:	
گفتم چه کرده‌ام که نگاهم نمی‌کنی	و آن دوستی که داشتی اول، چرا کم است؟
گفتا به جرم آنکه به هفتاد سالگی	سودای سور می‌پزی و جای ماتم است

(همان: ۲۴۵)

۴) مناظره در قرن هشتم

در این قرن نیز شاعران بلندآوازه‌ای، چون خواجه کرمانی و حافظ، در قالب غزلیات شیرین خویش، مناظراتی به رشته نظم کشیده‌اند که نمونه‌ای از آنها را شاهد می‌آوریم:

گفتا که از کجایی کاشفته می‌نمایی	گفتا منم غریبی از شهر آشنایی
گفتم، کدام مرغی؟ کز این مقام خوانی	گفتا، که خوش‌نوایی از باغ بی‌نوایی

(خواجه، ۱۳۶۰: غ ۹۲۱)

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید	گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز	گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم	گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید...

(حافظ، ۱۳۹۰: ۲۳۲)

۵) مناظره در قرن نهم

در این قرن، از نوادگان امیر عبدالرحیم خان، در عهد سلطان حسین بایقرا، خسرو شیرین زیبایی سروده که چند مناظره بین شاه و دایه شاه و فرهاد، همچین، شاه و شاپور آورده است.

و نیز می‌توان به مناظره تیر و کمان از منظومه شاه و درویش هلالی جغتایی (مقتول ۹۳۶ق) اشاره کرد و جامی نیز مناظره‌های زیبایی در هفت اورنگ سروده است، از جمله:

گفت به مجنون صنمی در دمشق	کای شده، مستغرق دریای عشق
عشق، چه و مرتبه عشق چیست؟	عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک‌رنگ حقیقت‌شناس	گفت: که ای محو امید و هراس

نیست بجز عشق در این پرده کس

اول و آخر همه عشق است و بس

(جامی، ۱۳۷۸: ۷۳۳)

والسی مصرر ولایت، ذوالنون

آن به اسرار حقیقت مشحون

گفت در مکّه مجاور بودم

در حرم حاضر و ناظر بودم

ناگه آشفته جوانی دیدم

نه جوان، سوخته جانی دیدم

لاغر و زرد شده همچو هلال

کردم از وی ز سر مهر سؤال

که: «مگر عاشقی؟ ای شیفته مرد!

که بدین گونه شدی لاغر و زرد؟»

گفت: «آری به سرم شور کسی ست

کش چو من عاشق رنجور بسی ست»

گفتمش: «یار به تو نزدیک است

یا چو شب روزت از او تاریک است؟

گفت: «در خانه او ام همه عمر

خاک کاشانه او ام همه عمر»

گفتمش: «یک دل و یک روست به تو

یا ستمکار و جفاجوست به تو؟...»

(همان: ۶۸۰)

از این قرن به بعد، مناظرات متعددی به شکل منظومه‌های مستقل، در قالب مثنوی سروده می‌شود، از جمله، منظومه «گوی و چوگان» سروده طالب جاجرمی، «ماه و خورشید» از خواجه مسعود قمی و بهاریه «پیر و جوان» اثر میرزا محمد نصیر اصفهانی (متوفی ۱۱۹۲ق). بدین شکل، این شیوه ادبی، سیر گسترده خود را تا دوره معاصر در آثار بزرگان علم و ادب، ادامه می‌دهد.

۶) مناظره در ادبیات معاصر

در ادبیات معاصر، نمونه‌های فراوانی از مناظره، به مثابه ابزاری برای ترویج افکار اخلاقی و تعلیمی قابل‌ردیابی است. ملک‌الشعرا بهار و تالی وی پروین اعتصامی از ادیبانی هستند که در این نوع از سخن‌سرایی از توانایی‌های خاصی بهره‌مندند. ابتکارات خاص بهار، در انتخاب مصادیق مناظره، نشانگر قدرت، ذوق و توانایی بالای وی در این فن است. مناظره‌هایی چون «چشمه و سنگ» «نی و بلوط» و «بلبل و زاغ» از سروده‌های وی در این شیوه است.

پروین نیز در این باب چون سایر قالب‌های شعریش به بهار توجه دارد. مناظره‌های زیبا و آموزنده وی از زبان اشیاء، پرندگان و عناصر طبیعت، آنچنان در متن اشعارش استوار شده که در اغلب قطعات و مثنوی‌هایش به کار گرفته شده است.

بیشتر گفت‌وگوها و مناظره‌های پروین بدین شکل است که یک طرف در چند بیت سخن می‌گوید و سپس طرف دیگر، در ابیاتی چند، پاسخ او را می‌دهد. نظیر مناظره «مست و هوشیار»، «نخ و سوزن»، «دزد و قاضی» و...

پروین اعتصامی را می‌توان بزرگ‌ترین مناظره‌گو در ادب معاصر دانست؛ زیرا در دیوان او قریب ۶۵ شعر می‌توان یافت، که به روش مناظره سروده شده است.

ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین از اشخاص، موجودات جاندار، گل و گیاه و اشیایی بی‌جان یا موضوعات انتزاعی، ورود در عالم هریک از دو طرف بحث و احساس حالات آنها، قدرت تجسم، سخن گفتن به شیوه‌ای متناسب و هنرمندانه از زبان هریک، و اشارات نکته‌آموز و پرمغز به اقتضای حال، و بسیاری ظرایف دیگر، این گونه اشعار او را به صورت مظاهر درخشان وی در آورده است.

پروین، این شاعر باعاطفه، با مهر مادرانه، قطعات و قصایدش مملو از عاطفه و احساس یک زن نیکوسیرت ایرانی است. گرچه هرگز مادر نشد و بیماری امانش نداد تا بیشتر بذل فضل در زمین ادب ایران بپاشد، با توجه به عمر کوتاهش و تعداد

مناظره‌های زیبا و دلکش در دیوانش، شایسته است که وی را بزرگ‌ترین شاعر و مناظره‌گوی معاصر بنامیم. نمونه‌ای از مناظره‌های وی:

شنیدستم که اندر معدنی تنگ
چنین پرسید سنگ از لعل رخشان
سخن گفتند با هم گوهر و سنگ
که از تاب چه شد چهرت فروزان

(پروین، ۱۳۲۰: ۲۰۰)

قطعه مست و هوشیار

محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت
گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»
مست گفت: «ای دوست! این پیراهن است، افسار نیست»
گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»
گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»
گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

(همان، ۱۳۷۳: ۸۷)

پروین، در این مناظره زیبا، رویارویی اشخاص را به شکل واقعی گفت‌وگو بیان نموده و تقابل و درگیری طرفین را به نمایش گذاشته است. در واقع، این شکل گفت‌وگو اثرگذاری شعر را تشدید می‌کند. همین شیوه است که ایشان را در رده مناظره‌گویان برتر قرار داده است.

۷) مناظره در شعر نیمایی

شاعران فرهیخته در ادب نیمایی، به پیروی از الگوی کهن مناظره، در این خصوص بهره‌ها برده‌اند، اما دیدگاه آنان در قالب و محتوا با شعرای پیشین در انتخاب مضمون بسیار متفاوت است. از میان شعرای معاصر، چهره سرشناسی که گفت‌وگو و مناظره را به شیوه دل‌انگیز در ادبیات نیمایی به کار گرفته، محمدرضا شفیعی کدکنی است.

از این شاعر چند «گفت‌وگو» در دست است که هر کدام گوشه‌ای از حیات رزیم گذشته را به نقد می‌کشد؛ برای مثال، در مناظره زیبای «گون و نسیم» گوشه‌ای از دنیای درون و برون جامعه را به تصویر می‌کشد:

سفر به خیر

به کجا چنین شتابان؟
گون از نسیم پرسید
دل من گرفته ز اینجا
هوس سفر نداری
ز غبار این بیابان؟
همه آرزویم اما
چه کنم که بسته پایم...

(شفیعی کدکنی، ۱۳۵۷: ۱۳)

گفت و گو

گفتم:

«این باغ ار گل سرخ بهاران بایدش؟...»

گفت:

«صبری تا کران روزگاران بایدش

تازیانۀ رعد و نیزه آذرخشان نیز هست

گر نسیم و بوسه‌های نرم باران بایدش»

گفتم:

«آن قربانیان پار

آن گل‌های سرخ؟...»

گفت:

«آری...»

ناگهانش گریه آرامش ربود؛

وز پی خاموشی طوفانی‌اش

گفت: «اگر در سوگشان

ابر می‌خواهد گریست

هفت دریای جهان یک قطره باران بایدش»

گفتمش: «خالیا ست شهر از عاشقان وینجا نماند

مرد راهی تا هوای کوی یاران بایدش...»

(همان: ۸۳)

نیما در مقام پایه‌گذار فرهنگ نوسرایی در ادب فارسی، در منظومۀ «مرغ آمین» و همچنین منظومۀ بلند قصه‌رنگ‌پریده، انسان را بر پاسخ‌های آتشین عشق مجاب می‌کند. اما گسترده‌ی مناظره‌های فارسی صرفاً به نظم محدود نبوده و در عرصه نثر نیز آثاری ارزشمند و ستودنی خلق شده است.

۹. مناظره در نثر

از مناظره‌های فارسی که به نثر نگارش یافته می‌توان به بخش‌هایی از مقامات حمیدی، اشاره کرد؛ همچون مناظره بین «ملحد و سنی» و «طیب و منجم» و نیز «جدال سعدی با مدعی» در گلستان. یا مناظره «شطرنج و نرد» از حسام‌الدین محمد رشید صراف خوارزمی، که برای ممدوح خود امیرمبارک‌شاه به نثری مسجع نوشته است. همچنین مناظره «عناصر» از خواندمیر که از نویسندگان عهد تیموری است؛ مناظره‌ای که برای جلال‌الدین قاسم فرنخودی به نثری ساده و روان تحریر شد.

بخش اعظم مناظرات منثور ما با توجه به شرایط اجتماعی ساخته و پرداخته شده است و بدیهی است که شرایط اجتماعی گفت‌وگو، با نظام سیاسی حاکم به طور مستقیم ارتباط دارد که بررسی این آثار مجال دیگری را می‌طلبد، اما سعدی، به عنوان ادیبی که در عرصه نظم و نثر آثاری از خود به یادگار گذاشته است، در هر دو شیوه، دگرگونی‌های اندیشه را در فرم حکایت، به‌ویژه در کتاب گلستان به مخاطب و جامعه عرضه کرده است و مناظره سعدی با مدعی، بیانگر اوج این نظام فکری است، که در آن مجادله نفس‌گیر، در نهایت هر دو طرف تن به قضاوت قاضی می‌دهند. تا در هر طایفه، درویش و غنی تفاوت اندیشه‌ها و شخصیت‌های فکری را از زبان قاضی بشنوند.

۱۰. موضوع مناظره

مناظره‌ها، منظوم یا منثور، از حیث موضوع جنبه‌های متنوعی دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱- مناظره‌هایی که جنبه علمی دارند؛ مثل «طیب و منجم» در مقامات حمیدی.
- ۲- مناظره‌هایی که جنبه و زمینه فلسفی دارند؛ از جمله: «هدهد و زاغ» در مثنوی مولوی یا «کوه و کاه» در دیوان پروین.
- ۳- مناظره‌هایی که جنبه عرفانی دارند؛ مانند «عاشق و طاعن» از سنایی در حدیقه و «پروانه و شمع» در بوستان سعدی.
- ۴- مناظره‌هایی که موضوع حکمی و اخلاقی دارند؛ از جمله: «نی و بلوط» از ملک‌الشعراى بهار، یا «چنار و کدو» از ناصر خسرو.
- ۵- مناظره‌هایی که موضوع دینی و مذهبی دارند؛ همچون «مغ و مسلمان» از اسدی طوسی یا «سنی و ملحد» از مقامات حمیدی.
- ۶- مناظره‌هایی که موضوع انتقادی دارند؛ همچون «دزد و قاضی»، «مست و محتسب» از پروین، و «توانگر با درویش» در گلستان سعدی.

۱.۱. شخصیت‌های مناظره

در مناظره «گفت‌وگو» معمولاً بین دو عنصر متضاد است، به همین لحاظ شخصیت‌ها، عنصر اصلی آن به شمار می‌آیند. شخصیت‌ها باید جنبه نمونه و تیپیک داشته باشند تا موضوع و محتوای مناظره در آن به خوبی نمود پیدا کند. می‌توان آنها را به اقسام زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- گاه مناظره بین اشخاص اتفاق می‌افتد؛ مانند «نحوی و کشتیبان» از مولوی.
 - ۲- گاه مناظره بین حیوانات و پرندگان است؛ همچون «حربا و خفاش» از وحشی بافقی یا «مور و مار» از پروین.
 - ۳- گاه مناظره بین اشیای بی‌جان است؛ مانند «دیگ و کاسه» از عطار یا «نخ و سوزن» از پروین.
 - ۴- گاه مناظره بین موضوعات و مفاهیم انتزاعی است؛ مانند «امید و نومیدی» از پروین یا «عقل و عشق» از مولوی.
- بنابراین، شاعران و نویسندگان در اعصار مختلف در نوع مناظره شخصیت‌های مختلف را برای تأثیرگذاری بیشتر و بیان اهداف انتقادی، سیاسی، اخلاقی و... به کار گرفته‌اند.

۱.۲. نتیجه‌گیری

مناظره در میان همه ملت‌های جهان مطرح بوده و جایگاه گسترده‌ای در میان آثار ادبی به خود اختصاص داده است. ایرانیان نیز از گذشته‌های دور به این نوع ادبی توجه ویژه‌ای داشته در گذر تاریخ، با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره، توجه به این نوع نگارش متفاوت بوده است. گاهی شاعران از آن برای مدح شاهان و حاکمان از آن بهره جستند و گاهی برای هنرنمایی شاعرانه و زمانی هم برای بیان مسائل اخلاقی یا فلسفی و زمانی هم برای انتقادهای اجتماعی از آن استفاده کرده‌اند. در زیر به عمده نتایج این مقاله فهرست‌وار اشاره می‌شود:

۱. ادبای بزرگ، به این شیوه ادبی بی‌توجه نبوده‌اند. هر کدام با شیوه خاص خود، در آن طبع‌آزمایی کرده‌اند.
۲. بزرگان ادب به مناظره‌های زبان حالی توجه خاصی داشته‌اند.
۳. آثار ارزشمند بسیاری در قالب مناظره، چه به صورت نظم و چه به صورت نثر به یادگار مانده است.
۴. در قالب «گفت‌وگو» منطق کلام و میزان درک مسائل بالا می‌رود و مخاطب بهتر و دقیق‌تر در جریان نقطه‌نظرات دو طرف مناظره‌کننده قرار می‌گیرد و به اهداف آنها پی می‌برد.
۵. در این نوع گفتار، مطالب حاشیه‌ای حذف و مسائل اصلی، روشن‌تر و دقیق‌تر عنوان می‌شود.
۶. به نظر می‌رسد، نظامی گنجوی این نوع گفتار را در قرن ششم به اوج رسانده باشد.
۷. پروین اعتصامی در اثر حاضر از این فن برای بیان مقاصد اجتماعی به خوبی بهره برده است.

منابع

۱. اته، هرمان. (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه و حواشی: رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. اعتصامی، پروین. (۱۳۲۰). *دیوان شعر پروین اعتصامی*، چ ۲، تهران: فردین.
۳. _____ . (۱۳۷۳). *دیوان پروین اعتصامی*، به کوشش شهرام رجب‌زاده، تهران: شفق.
۴. انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه ادبیات فارسی*، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۵. بلخی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *گزیده غزلیات شمس*، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، چ ۵، تهران: جیبی.
۶. _____ . (۱۳۶۳). *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: مولی.
۷. بهار، محمدتقی. (۱۳۶۴). *مقدمه دیوان پروین اعتصامی*، تهران: ایمان.
۸. _____ . (۱۳۸۵). *زبان و حال در عرفان و ادب پارسی*، چ ۱، تهران: هرمس.
۹. پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۴). *مناظره عقل و علم و حلم و دولت از مؤلفی ناشناخته، نامه فرهنگستان*، شماره ۲۶ (۱۷-۸).
۱۰. تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش زاله آموزگار، تهران: سخن.
۱۱. جامی، عبدالرحمن ابن احمد. (۱۳۷۸). *مثنوی هفت اورنگ*، چ اول، مصحح جابلقا دادعلیشاه، تهران: ناشر میراث مکتوب.
۱۲. چاووش اکبری، رحیم. (۱۳۷۸). *حکیم بانوی شعر فارسی*، تهران: ثالث.
۱۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۰). *دیوان حافظ شیرازی*، چ ۴، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان.
۱۴. داد، سیما. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). *لغت نامه دهخدا*، تهران: مجلس.
۱۶. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۶۳). *شرح بوستان*، چ ۵، محمد خزائلی، تهران: جاویدان.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۵۷). *در کوچه باغ‌های نیشابور*، چ ۷، تهران: توس.
۱۸. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *انواع ادبی*، تهران: فردوسی.
۱۹. شوشتری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مناظره در ادب فارسی*، کیهان فرهنگی، شماره ۲۹۱-۲۹۰، (۶۰-۷۰).
۲۰. فلاح، غلامعلی. (۱۳۸۷). *جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی*، پژوهش‌های ادبی عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۵ (۱۵۱-۱۶۴).
۲۱. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۱۴). *ویس و رامین*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: ابن‌سینا.
۲۲. گلبن، محمد. (۱۳۵۱). *بهار و ادب فارسی*، چ ۱، تهران: جیبی و فرانکلین.
۲۳. نظامی گنجوی. (۱۳۶۳). *سبعه حکیم نظامی گنجوی*، خسرو شیرین، هفت پیکر، ج ۲، چ ۲، تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی، تهران: علمی.